

درس چهارم:

پیشینه زبان فارسی:

زبان پارسی (فارسی): زبان ایرانیان پیش از اسلام که ریشه و مادر زبان امروز است.

در ایران پیش از اسلام، آثار فرهنگی - ادبی، قرن‌ها سینه به سینه حفظ و به نسل‌های بعد منتقل می‌شده است.

مثال: کتاب اوستا، را موبدان برای اجرای مراسم دینی از حفظ می‌خواندند تا این که بعدها در دوره ساسانی آن را به نگارش درآوردند.

گروه زبان‌های ایرانی

زبان‌هایی که از قدیم‌ترین روزگاران در ایران و مناطق همجوار آن متداول بوده و دارای ویژگی‌های مشترک هستند.

زبان‌های ایرانی به ۳ شاخه تقسیم می‌شود؛ شامل ۱- فارسی باستان ۲- فارسی میانه - فارسی نو (دَری).

(۱) فارسی باستان:

محدوده تاریخی: دوره هخامنشیان (۵۵۹ تا ۳۳۰ قبل از میلاد)

آثار برجای مانده: فرمان‌ها و نامه‌های شاهان هخامنشی به خط میخی



(۲) فارسی میانه:

محدوده تاریخی: حدود سال ۳۰۰ قبل از میلاد تا حدود ۷۰۰ میلادی

علت نام‌گذاری آن به این نام: چون اساساً به ناحیه پارس تعلق داشته و در مرحله‌ای میان فارسی باستان و فارسی نو (دَری) قرار دارد، آن را «فارسی میانه» نامیدند.

زبان‌های ایرانی میانه (فارسی میانه)، ۲ دسته‌اند: ۱- پارتی ۲- پهلوی

ویژگی‌های زبان پارسی:

محدوده تاریخی: دوره اشکانیان تا اوایل دوره ساسانی تا اوایل دوره ساسانی، آثاری به این زبان تألیف می‌شد.

محدوده جغرافیایی: شمال و شمال شرقی ایران

ویژگی‌های زبان پهلوی:

محدوده تاریخی: دوره ساسانیان (زبان پهلوی، زبان رسمی دوره ساسانیان بود).

ویژگی‌های آثار پدید آمده به زبان پهلوی

الف) بیشتر آثار تألیف شده به زبان پهلوی آثار دینی زرتشتی است؛ حتی رساله‌های کوچکی که معمولاً آنها را جزء آثار غیردینی به شمار می‌آورند نیز، رنگ دینی دارند؛ مانند یادگار زریران.

ب) آثار ادبی منظوم و منثور این زبان از میان رفته است ولی ترجمه عربی و فارسی بعضی از آنها مثل «کلیله و دمنه» و «هزار و یک شب» در دست است که آنها هم دچار تغییرات فراوان شده است.

پ) آثار ادبی پهلوی به سبب اهمیتی که سنت شفاهی در ایران پیش از اسلام داشته، غالباً به کتابت در نیامده بود.

ت) از زبان پهلوی، اشعار کمی در دست است و آنچه باقی مانده دچار تحریف‌هایی شده است.

ث) بعضی از قطعات، بازمانده اشعار تعلیمی و اخلاقی‌اند (درون‌مایه تعلیمی و اخلاقی دارند). این قطعات شعری در میان اندرزنامه‌های منثور جای دارند؛ مانند منظومه‌های «درخت آسوریک» و «یادگار زریران» که هر دو اصل و ریشه پارسی دارند.

فارسی نو (دری):

چگونگی شکل‌گیری: یکی از نتایج نفوذ اسلام در ایران، رواج تدریجی خط عربی بود؛ بنابراین زبان فارسی پس از ورود اسلام به ایران تحول تازه‌ای را پشت سر گذاشت و با بهره‌گیری از خط عربی (پذیرفتن الفبای عربی) و البته کنار گذاشتن برخی از صداهای زبان عربی، وارد مرحله جدیدی به نام «فارسی نو (دری)» شد. محدوده جغرافیایی منطقه رواج فارسی دری، نخست در مشرق و شمال شرقی ایران بود. این زبان موجودیت خود را به سرسختی حفظ کرد و به تدریج غنی شد و زبان عمومی سراسر ایران شد.

علت نام گذاری فارسی دری: این زبان، زبان درباری ساسانیان و زبان محاوره و مکاتبه مقامات دولتی ساسانی بود.

فارسی دری، نخستین صورت زبان ادبی فارسی نو در برابر نفوذ عناصر زبان عربی بود.

پس از برافتادن ساسانیان، طاهریان نخستین دولت اسلامی ایران بودند؛ به این ترتیب ادبیات فارسی دری هم به مفهوم واقعی خود تقریباً هم زمان با دولت طاهریان پدید آمد.

سه قرن اول هجری

محدوده تاریخی همزمان با دولت‌های طاهریان و صفاریان

فعالیت‌های تاریخی و فرهنگی ایرانیان در سه قرن اول هجری:

پس از سقوط ساسانیان، ایرانیان به فعالیت‌های علمی و ادبی خود ادامه دادند و به زبان‌های فارسی پهلوی و عربی آثار فراوان پدید آوردند.

در آغاز قرن سوم، دولت نیمه مستقل طاهری و پس از آن دولت مستقل صفاری بر سر کار آمد.

یعقوب لیث صفاری:

(۱) برای ایجاد حکومت مستقل ایرانی و برانداختن یا ضعیف کردن حکومت بغداد دست به کار شد تا عظمت و اقتدار گذشته ایران را احیا کند.

(۲) به زبان عربی آشنایی نداشت و اجازه ورود این زبان را به دستگاه حکومت خود نداد و به دلیل آشنا نبودن با زبان عربی زبان فارسی دری را - که خود آن را می‌فهمید و به آن سخن می‌گفت - زبان رسمی قلمرو خود اعلام کرد.

بعد از صفاریان، دولت‌های سامانی، آل بویه و حکومت‌های کوچک دیگری پدید آمدند و زبان فارسی دری این امکان را یافت تا به عنوان زبان رسمی شناخته شود و در فضای ادبی، سیاسی و علمی رشد یابد.

قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری

محدوده تاریخی: از زمان روی کار آمدن سامانیان تا شکست آنان از ترکان آل افراسیاب و به قدرت رسیدن غزنویان.

قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم، مهم‌ترین دوره تمدن اسلامی ایران بود و نظم و نثر فارسی در این دوره شکوفا شد.

تأثیر سامانیان بر فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی:

در آغاز این دوره، دولت سامانی روی کار آمد و رسم‌ها و سنت‌های کهن ایرانی را رواج داد.

در زمان سامانیان بخا را عمده‌ترین مرکز فرهنگی به شمار می‌آمد و دانشمندان این شهر آثار ارزنده‌ای را به پارسی و عربی در قلمرو فرهنگ اسلامی تألیف کردند.

آغاز این دوره که از نظر تاریخی همزمان با اوج حاکمیت سامانیان است عصر اندیشه استقلال ملی ایران به شمار می‌رود.

امرای سامانی با تأکید بر ضرورت تألیف به زبان فارسی دری و گردآوری تاریخ و روایات گذشته ایرانی در برابر خلافت بغداد به هویتی مستقل دست یافتند.

امرای سامانی با تشویق شاعران و نویسندگان تلاش می‌کردند در ماوراء النهر و خراسان بزرگ ترکیب تازه‌ای از هویت فرهنگی یعنی بازیافتن اندیشه ایرانی در چارچوب فرهنگ اسلامی را رواج دهند.

بعضی از امرای سامانی، خود صاحب فضل و ادب بودند؛ بنابراین شاعران فارسی گوی را به سرودن شعر و مترجمان را به ترجمه کتاب‌های معتبر به نثر فارسی بر می‌انگيختند.

درخشش فرهنگ ایرانی در دوره سامانی، با شکست آنها از ترکان آل افراسیاب به تیرگی گرایید به این ترتیب خراسان ابتدا به دست «سبک‌تگین» و سپس پسرش «محمود» افتاد و سلسله غزنوی توسط «محمود» تشکیل شد.

ویژگی‌های دوره غزنوی و تأثیر آن در زبان و ادبیات فارسی:

سال و مکان تأسیس حکومت غزنوی: ۳۵۱ هجری در شهر غزنه

دلیل توجه غزنویان به زبان فارسی و رواج آن: ماندگاری حکومت نوپای خود

دربار غزنویان، تا پایان سلطنت مسعود (پسر محمود)، به وجود شاعران بزرگی که تربیت یافته اواخر عهد سامانی بودند مانند «عنصری، فرخی سیستانی، منوچهری آراسته» بود.

ویژگی‌های قرن چهارم هجری:

دوران غلبه، رواج حفظ و ارائه آداب و رسوم ملی بود.

پایه حماسه‌های ملی به زبان فارسی در این قرن گذاشته شد - که زبان فارسی را با ادبیات غنی آن به اوج رساند.

دوره طلایی همراه با شکوفایی روح ایرانی بود که با دانشمند بزرگی چون محمد بن زکریای رازی آغاز شد و با شاعری چون فردوسی ادامه یافت.

ویژگی‌های فرهنگی علمی و ادبی قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری:

دوره ترقی در همه زمینه‌های علمی بود

دانشمندان مشهوری از آغاز تا پایان این دوره در زمینه فلسفه، طب و علوم دینی سرگرم تألیف بودند.

از چهره‌های برجسته این دوره ابوعلی سیناست که در همه علوم روزگار تبحر داشت و به فارسی و عربی نیز شعر می‌سرود.

نظم و نثر در این دوره شکوفا شد و وجود شاعرانی چون رودکی فردوسی و عنصری و بسیاری شاعران دیگر، بیانگر اهمیت این دوره است.

در آغاز این دوره هنوز بیشتر دانشمندان ایرانی به ضرورت آثار خود را به عربی می‌نوشتند تا در سراسر دنیای اسلام خوانندگان بیشتری داشته باشند.

در این دوره بسیاری از اصطلاحات علمی، ادبی، دینی و سیاسی جدید از راه ترجمه متون عربی وارد فارسی دری شد.

پس از چند سده رواج و نفوذ معارف اسلامی و متون دینی در این دوره آمیختگی زبان فارسی دری با زبان عربی افزایش یافت.

شعر فارسی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری:

شعر پارسی در این دوره به دست رودکی بنیاد نهاده شد؛ به همین سبب او را «پدر شعر فارسی» نامیده‌اند.

ویژگی‌های شعر این دوره:

(۱) سادگی فکر و روانی کلام (شاعر می‌کوشد تا فکر و خیال خود را همان‌گونه که به خاطرش می‌رسد، بیان کند).

(۲) توجه شاعران به واقعیت بیرونی (مفاهیم ذهنی شاعران از قلمرو تعالیم کلی اخلاقی فراتر نمی‌رود).

(۳) آوردن ترکیب‌های تازه

(۴) به کارگیری استعاره‌های دلپذیر و تشبیه‌های گوناگون

(۵) استفاده از انواع توصیف

رایج‌ترین انواع شعر فارسی در این دوره:

(۱) حماسی: فردوسی، حماسه ملی ایران و شعر حماسی را به اوج رساند.

(۲) مدحی (مدیحه‌سرایی) } از آغاز ادبیات فارسی و به پیروی از شعر عربی رواج پیدا کرده بود.
با شاعران بزرگ درباری و مدح پادشاهان و رجال درباری جایگاه خود
را پیدا کرد.

(۳) غنایی: با رودکی و شهید بلخی قوت و استحکام گرفت.

گونه‌های دیگر شعر در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری:

(۱) شعر حکمی و اندرزی (تعلیمی) در این دوره به وجود آمد ولی در دوره سلجوقیان به پختگی رسید. آوردن موعظه و نصیحت در شعر از آغاز قرن چهارم معمول شد و قطعه‌های کوتاهی نیز در این موضوعات سروده شد؛ اما کسی که قصیده تمام و کاملی در این موضوع، سرود کسایی مروزی بود؛ سپس ناصر خسرو شیوه او را ادامه داد.